

یازده سال پیش در زمانی که من دیگر پدر و مادر نداشتم و از تنهایی شدید رنج می‌بردم با خسرو آشنا شدم. در آن زمان 40 سال سن داشتم، احساس می‌کردم پیر شدم و تا چند سال دیگر از پا می‌افتم و احتیاج دارم کسی کنارم باشد. هیچ چیز در زندگی خوشحالم نمی‌کرد. زن ثروتمندی بودم، ارثیه زیادی به من رسیده بود اما هر چه به تفریح و گردش می‌رفتم خوشحال نمی‌شدم ولی زمانی که با خسرو آشنا شدم زندگی برایم رنگ دیگری گرفت. ما همکار بودیم. من متخصص بیهوشی هستم و شوهرم هم در بیمارستانی که من بودم پزشک عمومی بود. ما در آنجا بود که با هم آشنا شدیم و بعد از خواستگاری با هم ازدواج کردیم. البته خسرو یک سال از من کوچک‌تر است اما این تفاوت سنی برایمان مشکلی ایجاد نکرد. زمانی که تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم خسرو به من گفت وقتی خیلی جوان بوده ازدواج کرده اما چند سال بعد از همسرش جدا شده است. البته واقعیت را به من نگفت و بدخلقی‌های همسرش را دلیل جدا شدن از او بیان کرد. من هم چون از تنهایی به شدت رنج می‌بردم اعتماد کردم و همسر او شدم. مشکلات ما زمانی شروع شد که خسرو به شدت به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرد. قبل از ازدواج نمی‌دانستم که خسرو اعتیاد دارد. از آنجایی که یک پزشک است فکر نمی‌کردم که به سمت مواد مخدر برود، ضمن این که من سال‌ها با خسرو همکار بودم و هیچ‌وقت رفتار نادرستی از او ندیدم. بعد از ازدوایمان خیلی دیر، زمانی که فرزند دوم را باردار بودم متوجه شدم که شوهرم اعتیاد دارد. به هر حال با توجه به شغلی که دارم می‌توانم اعتیاد را زودتر از دیگران تشخیص دهم، اما مشکل آنجا بود که من مجبور بودم بیشتر وقتم را خارج از خانه بگذرانم. گاهی اوقات من سه شبانه‌روز در بیمارستان می‌ماندم و خبری از خانه نداشتم. وقتی فرزند دوم را باردار بودم مجبور شدم بیشتر وقتم را در خانه بگذرانم و چون سنم زیاد بود پزشکی که مرا تحت نظر داشت تجویز کرده بود بیشتر استراحت کنم. در همان زمان بود که متوجه شدم شوهرم به مواد مخدر اعتیاد دارد. از زمانی که خسرو فهمید من متوجه اعتیادش شدم شرایط را بدتر کرد، او روز به روز بیشتر در مواد مخدر فرو می‌رفت. کار به جایی رسید که از بیمارستان اخراج شد و به او گفتند دیگر حق ندارد در آن بیمارستان طبابت کند و باید به فکر شغل دیگری باشد. شوهرم از زمانی که مجرد بود اعتیاد داشت و همسر اولش هم به همین دلیل از او جدا شده بود. با بالا رفتن سنش به یکباره اعتیادش شدت گرفت. تا پیش از این که من متوجه شوم خسرو سعی در پنهان کردن همه چیز داشت اما وقتی فهمیدم، دیگر چیزی برای پنهان کردن نمانده بود. او در خانه هم مواد مصرف می‌کرد. پس از اخراج از کار شوهرم فقط مواد مصرف می‌کرد، خرج اعتیادش را هم من می‌دادم، پول می‌گرفت و خرج می‌کرد وقتی مقاومت می‌کردم بچه‌ها را کتک می‌زد. خسرو می‌دانست که من فرزندانم را خیلی دوست دارم و نمی‌توانم بدون آنها زندگی کنم، می‌دانست برای رهایی بچه‌ها از آزار و اذیت پدرشان حاضرم هر کاری بکنم، به همین خاطر هم بچه‌ها را کتک می‌زد. من می‌دانم فرزندانم به پدر احتیاج دارند و نبود خسرو آسیب بزرگی برای آنهاست اما با شرایطی که خسرو دارد به آنها آسیب می‌رساند. او حتی یک بار در مقابل بیمارستان با موتور کیف مرا قاپید تا پول اعتیادش را به دست آورد، آبروی مرا در محل کارم برده است، با توجه به اوضاعی که پیش آمده هیچ راهی جز جدایی ندارم.

اسلاید ۱:

شرطی برای زندگی دوباره

اسلاید ۲:

مهمترین نقطه آسیب زندگی سارا چیست؟  
عدم شناخت کافی از همسر خود قبل از ازدواج

اسلاید ۳:

توجه!!

از چیزهایی که سزاوار است انسان به آن اهتمام ورزد این است که در صفات کسی که می‌خواهد با او ازدواج کند نظر بیفکند و بررسی کند.

اسلاید ۴:

سارا با داشتن ۴۰ سال سن و تحصیلات عالی:

۱ - علت اصلی جدایی خسرو از همسر اولش را بررسی نمی‌کند.

۲ - به نحوه رفتار خسرو در محیط کار اکتفا می‌کند و شخصیت روحی و روانی و رفتاری او را بررسی نمی‌کند و از متخصصین مشاور کمک نمی‌گیرد. غافل از آنکه رفتارهای اجتماعی افراد در محیط کار الزاماً بیانگر خلیات درونی و خانوادگی آنها نیستند.

۳ - با انگیزه غلط فرار از تنهایی اقدام به ازدواج می‌کند.

۴ - به دانسته‌های خود در مورد اعتیاد مغرور می‌شود غافل از آنکه همسر پزشک او نیز به واسطه مهارت‌هایش قادر به مخفی‌کاری بیشتری نسبت به افراد عادی است.

اسلاید ۵:

آیا سارا نمی‌توانست در خصوص اعتیاد خسرو و خصوصیات اخلاقی او قبل از ازدواج شناختی حاصل کند؟  
پاسخ: آری

اسلاید ۶:

او می‌توانست:

به هر نحو ممکن با همسر سابق او تماس حاصل نموده علت جدائی وی را جویا شود.

با مراجعه به مشاورین متخصص و طرح سوالات متعدد و گسترده نسبت به شخصیت وی شناخت بیشتری حاصل نماید.

اسلاید ۷:

چرا سارا پس از گذشت ۱۱ سال از شروع زندگی متوجه اعتیاد همسرش می شود؟

اسلاید ۸:

از زبان خودش بشنوید:

..... زیرا بیشتر وقتم را خارج از خانه می گذراندم. گاهی اوقات من سه شبانه روز در بیمارستان می ماندم و خبری از خانه نداشتم.

توضیح: یقیناً ۱۱ سال پیش مشکل اعتیاد خسرو این وخامت را نداشت و علاج آن آسانتر بود. بی تفاوتی سم زندگی است. هیچ جایگزینی برای لحظات با هم بودن زوج ها وجود ندارد. در لحظات با هم بودن زوجین می توانند به دنیای درون هم پا بگذارند و در یک ارتباط صمیمانه مکثات قلبی شان را خالصانه در اختیار هم بگذارند و بدین وسیله همدیگر را خوب بشناسند.

اسلاید ۹:

هشدار

زوجین باید برای پایداری زندگی مشترک از آن مراقبت کنند. رها کردن نهال نوپا نتیجه ای جز خزان نخواهد داشت.

توضیح: اگر زوجین تمایل به داشتن یک زندگی ایده آل دارند باید زمانی را برای با هم بودن پیدا کنند و مدتی را با هم و به دور از دغدغه های روزانه سپری کنند و این باعث بهبود روند ارتباطات خواهد شد.

اسلاید ۱۰:

اعتیاد خسرو چه مسائلی را برای او در پی داشت؟

توضیح: فرد معتاد بخشی از دانسته هایش را فراموش می کند و تمرکز قوای فکری اش روز به روز کاهش می یابد. آستانه تحمل و پذیرش ناملایمات کاهش می یابد و به تبع آن کوچکترین مسأله ای به صورت رفتار پرخاشگرانه منعکس می گردد. فرد معتاد سلامت جسمی و روحی خود را از دست داده و دیگر برای خانواده احساس مسوولیت نمی کند.

اسلاید ۱۱:

- \* جدایی از همسر اول و فروپاشی خانواده اش
- \* وابستگی شدید به مصرف و پیشرفت روبه افزون این وابستگی
- \* اخراج از محل کار و از دست رفتن اعتبار و آبروی چندین ساله به عنوان یک پزشک
- \* از دست دادن توانایی لازم برای انجام کار در مکانی دیگر و شغلی دیگر
- \* به هدر رفتن تلاش های سال های تحصیل
- \* از دست دادن منبع درآمد
- \* شکست در ازدواج دوم
- \* محرومیت از محبت ورزیدن به فرزندان و تباهی احتمالی آینده آنها

\* توهین اطرافیان و درخواست کمک مالی از دیگران جهت تأمین هزینه‌های اعتیاد

\* روآوری به جرائم دیگر جهت تأمین هزینه‌های اعتیاد

اسلاید ۱۲:

آیا تنها راه سارا جدائی است؟

او می‌گوید:

با توجه به اوضاعی که پیش آمده هیچ راهی جز جدائی ندارم.

اسلاید ۱۳:

پاسخ:

گذشته را نمی‌توان تغییر داد ولی آینده پیش روی توست. سارا ۱۱ سال از همسرش غافل بوده و برای جبران این غفلت باید در راه تغییر و ترک اعتیاد در کنار خسرو انرژی و زمان صرف کند.

اسلاید ۱۴:

اگر سارا جدایی را انتخاب کند چه مسیری را باید طی کند؟

اسلاید ۱۵:

اگر خسرو با تقاضای سارا موافق باشد:

حکم به طلاق بر اساس توافقات آنها در مورد حق و حقوق سارا و حضانت و نفقه فرزندان مشترکشان صادر می‌شود که می‌تواند به نفع سارا نباشد و او در مسیر توافقات تحمیلی قرار گرفته مجبور به پذیرش شود.

اسلاید ۱۶:

اگر خسرو با تقاضای سارا مخالف باشد:

سارا باید مطابق تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹ و ۱۱۲۹ و یا ۱۱۳۰ قانون مدنی را به دادگاه ثابت نماید.

اسلاید ۱۷:

طبق ماده ۱۱۳۰ در جایی که شرطی ضمن عقد در خصوص اعتیاد بین آنها وجود نداشته باشد باید ثابت نماید:

۱- خسرو معتاد به یکی از انواع مواد مخدر است.

۲- اعتیاد او به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد کرده است.

اسلاید ۱۸:

۳- دادگاه خسرو را الزام به ترک می‌کند و مدتی را برای ترک به تشخیص پزشک تعیین می‌کند اگر او امتناع کرد و یا پس از ترک مجدداً به مصرف مواد روی آورد.

اسلاید ۱۹:

سارا باید ثابت کند خسرو از ترک امتناع کرده و یا پس از ترک مجدداً به مصرف مواد روی آورده است.

اسلاید ۲۰:

اثبات ادعای اعتیاد خسرو و یا امتناع او از ترک و یا مصرف مجدد پس از ترک چه مسیری خواهد داشت؟

اسلاید ۲۱:

دادگاه ادعای سارا را بدون ارائه دلیل قبول نمی‌کند، سارا باید یکی از دلایل ذیل را به دادگاه ارائه نماید:

۱- شهودی که از نظر دادگاه قابل قبول باشند به اعتیاد خسرو شهادت دهند.

۲- خسرو خود به اعتیاد و سایر موارد اقرار کند.

۳- سابقه کیفری مبنی بر اعتیاد وی وجود داشته باشد.

اسلاید ۲۲:

فکر کنید:

سارا در راه جدایی چه هزینه‌هایی باید پرداخت کند؟

اسلاید ۲۳:

\* هزینه ایاب و ذهاب به دادگاه و سایر واحدها

\* هزینه اخذ وکیل

\* هزینه دادرسی

\* هزینه ترک شغل و محل کار

\* هزینه استرس‌های وارده و فشارهای روحی

و...

اسلاید ۲۴:

علاوه بر آن او مواجه است با:

\* یک زندگی شکست خورده و آرزوهای بر بادرفته

\* دو فرزندی که باید بی‌پدر بزرگ شوند و مهر فرزند طلاق بودن روی پیشانی آنها حک شود

در حالی که سارا با اندک تحقیق و صرف اندک هزینه می‌توانست انتخاب صحیح‌تری داشته باشد.